

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
مطبوعات

- بخش فارسی روزنامه لواء الاسلام: برلین، ۱۲۹۹-۱۳۰۱
- دکتر ناصرالدین پروین
- ملک الشعراى بهار و مبارزه در راه صلح / محمد گلبن

بخش فارسی روزنامه لواء الاسلام: ناصرالدین پروین پرلین، ۱۲۹۹-۱۳۰۱

۵۲۱

بخارا
سال سیزدهم
شماره ۷۶
مرداد - شهریور
۱۳۸۹

روزنامه ی چهار زبانه ی لواء الاسلام چاپ برلین، از آغاز سال ۱۹۲۱ تا ۱۵ دسامبر ۱۹۲۲ (۱۱ دی ۱۲۹۹ - ۲۴ آذر ۱۳۰۱) به صورت پانزده روزه انتشار یافت؛ اما همواره دو شماره توأمان و یکبار سه شماره باهم به چاپ رسیدند. تا کنون مأخذی فارسی که از این نشریه یاد کرده باشد نیافته ام (۱).

زبان اصلی لواء الاسلام ترکی عثمانی بود. از آغاز سال دوم تا شماره ی توأمان ۱۱-۱۲ برای هریک از زبانهای ترکی، عربی، فارسی و آلمانی چاپ جداگانه بی ارایه دادند. از آن شماره، لواء الاسلام به بخشهای ترکی و فارسی و عربی تقسیم شد و کمترین سهم اختصاص به عربی داشت.

دست اندر کاران

«مدیرمسئول» لواء الاسلام، الیاس براغون بک اهل ترکیه بود و جز این چیزی درباره اش نمی دانیم. در سرلوحه ی سال نخست، تنها نام او دیده می شود و در سال دوم، هیچ نامی از دست اندرکاران نیست و حرف «س» به جای امضا نشسته ست.

طرازی، هموطنش امیر شکیب ارسلان لبنانی را که در تبعید ژنو به سر می برد به عنوان ناشر این روزنامه معرفی کرده است (۲)، حال آن که تنها چند مقاله ی عربی را با اندیشه های آن روزی او مطابق یافته ایم (۳)؛ وانگهی، لواء الاسلام سخت ترکگرا بود.

لواء الاسلام زمانی منتشر می شد که گروه بزرگی از ترکان تبعیدی یا فراری عثمانی

سرزمین متحد پیشین خود در جنگ اول را پناهگاه خود ساخته بودند. سرکرده ی مهم آنان در برلین، محمد طلعت پاشا صدراعظم قبلی و از رهبران حزب اتحاد و ترقی بود (۴). سه ماه پس از آن که یک ارمنی کین خواه او را کشت و یک هفته پس از آن که دادگاه برلین قاتل را آزاد کرد، لواء الاسلام به چاپ رسید. اگر چه این روزنامه مستقل بود و به ویژه ناوابستگی خود به حزب اتحاد و ترقی را اعلام داشت (۵)، گمان می برم که یاران طلعت پاشا و وزیر جنگ دولتش احمد انورپاشا در انتشار لواء الاسلام دست داشته اند.

بخش فارسی لواء الاسلام در واقع ترجمه ی بخش ترکی است و مترجم را معرفی نکرده اند. شیوه ی نگارش او چیرگی احتمالی بر ترکی اسلامبولی و چیرگی چشمگیری بر فارسی را می رساند. از میان ایرانیان مقیم برلین در آن سالها، تنها شاعر و روزنامه نگار برجسته ی ایرانی، میرزا محمود غنی زاده سلماسی (سلماس جمادی الثانی ۱۲۹۶/۱۲۸۵خ- تبریز، ۳۰ بهمن ۱۳۱۳) را ممکن است مترجم فارسی روزنامه انگاشت (۶)؛ اما یاد آوری گرایشهای بارز ایرانخواهانه ی او، ما را در این باره به تردید وا می دارد (۷). گزارش مفصلی نیز به قلم یک افغانستانی که نامش را ننوشته اند، در شماره ی ۱۳-۱۴ دیده می شود (۸).

نگاهی به محتوای روزنامه

لواء الاسلام هنگامی انتشار می یافت که جهان دوره ی پر تنش پس از جنگ مرگبار جهانی اول را می گذراند. بشریت، از خاموشی توبهای قیصر آلمان و غروب خلافت سلطان در شگفت بود، اما افسوس که عبرت نیاموخت. سرنوشت ملتها را جهانخواران به گونه ی دلخواه خود رقم زدند و کشورهای بی ریشه و پایه یی ساختند که هنوز موجب گرفتاری و جنگ و نا به سامانی ست.

اینک، پیروزمندان جنگ در پی تقسیم غنیمت ها بودند. دیدارهای پنهان و آشکار و کنفرانسهای چندجانبه برگزار می شد، بیانه های سیاسی غرا و اطلاعاتیه های تهدید آمیز دست به دست می گشت. روزنامه ها مقاله ها و گزارشهای پر آب و تاب می نوشتند و برخی، همچون روزنامه یی که مورد بحث ماست، آرمانهای دور و درازی را بازتاب می دادند.

لواء الاسلام، خود را در سرلوحه «روزنامه سیاسی» می خواند و «مقالات عام المنفعه عالم اسلامی» را قبول می کرد. روزنامه، دم از اسلامخواهی می زد، اما از محتوایش پیداست که مخاطبان آن فارسی دانان اهل تسنن در افغانستان و ورا رود و هند و ایران بوده اند. هیچ گونه اشاره یی به شیعیان در شماره های موجود آن ندیده ام. در آخرین شماره ی فارسی، متن گفت و گوی نماینده ی اعزامی رضاخان سردار سپه وزیر جنگ به آنکارا صفحه یی را پر کرده است. از آن جا که با مراجعه به کتابهای مربوط به رابطه ی ایران و ترکیه چیزی در باره ی این مأموریت نیافته ام، بخشهای مهم آن را نقل خواهم کرد.

*	<h1>لواء الاسلام</h1>	*
عمل اداره-سى: Braunschweig Hagenstraße 27 — Teleph.: 2000		منافع اسلاميه خادم آثار ايجون مجيئه ليرز آجقون در — امضال مقاله لره ده كي فكر لر صاحب امضايه هاشمدر
*	اون يش كونده بر نشتر اولنور سياسي جمونه	*
۶ نجى سته		نومرو ۱۱ - ۱۲

بولشه ويكلكر قافقاسيا و توركستاني استيلانى

انور پاشا

نظم ابدن داها بوبوك دشمنلره ده توجيه ايله ده. شرائط
 صليحيه في عموم مائه قبول ايتديرمك ايجون دشمنلك
 مراجعت ايله دكاري وسائط جبريه و نامشروع
 نتيجه اعتباريله و حدث و عزم ملي تقويه ايله ده.
 ملتلك بك قوتلي دشمنلره قارشى كيريشديكي بو
 موجوديت مجادله سنده موفق اوله ييلمه سى ايجون خارجى
 بر ياردهمه احتياج وارايدى. بويارديمك ده آجقون بولشه
 ويكلكر طرفندن كله ييله جگنه عمومى بر قناعت حاصل
 اولمشيدي. بر طرفدن تورك منورلرى بو خصوصه
 بولشه ويكلكرله آكلاشمه چاليتيركن ديگر طرفدن «له ين» نك
 آزانلرى ده استانبولده، آناتولىده و بالخاصه آذربايجانده
 توركلرك حسابات و عابلاتندن بك كوزل استفاده ايشه سى.
 بيلديلر. ماهرانه يالانلرله، بول و عدلرله حقيقي مقصد
 لرني كوزله ين بولشه ويكلكر بلاتديق كئنديلرته تاويل
 ابدن، بر چوق عثمانلىلرى حصول مقصدلرته واسطه
 قيلدیلر. قيرمزى اردونك.. حق صرف مسلمانلردن
 مركب يشيل اردونك آناتولى به ياردهمه كيدم نيلمه سى

مبارك دن سوكره استانبول و بوغازلر كي مهم.
 موقبلره يرله شهن ائتلاف قوتلرى اسلام اهالى به بك چوق
 ظلم ايتديلر. دشمنك غير عادلانه ادارمى و بلسون
 بره نسيپلرته بل باغلا نلرك، حق سلامت وطنى غالبلردن
 برينك نخت حمايه سته كرمكده آرايان صافدلرك بيله
 كافى درجه ده كوزنى آچمشيدي. عثمانلىلرك قوه
 معنويه سنى تماميله محو ايشك ايشه ين دشمن ندهيش
 سياستى كيت كيده آرتيردى، بو قبيلدن اوله رق بونانلىلر
 از ميره تسليط اولندي، امثالى كوروله دك جنابيلر فجاعتلر
 ارتكاب ايتديرلدى. يونان وحشتنك آيدين ولاينده
 حصوله كئيرديكي غلبان قيصه بر زمانده بونون آناتولى به
 سرايت ايله ده. ملت چاريشارق اوله في دشمن سوبكلىرى
 آلنده مسكينانه تلف اولمه ترجيح ايله ده و سلاخته
 سارلدى. بالذات خلقدن طوغان مجاهده به غيرت دينيه
 و مليه صاحي بر چوق منورلر التحاق ايله ده. ملي
 مجاهده باشلانمجه بالكر يونانلرله قارشى ايدى. فقط
 «سور» سوء قصدى ملي عداوتى طبعيله بو حكم اعدامى

اسلامخواهی لواء الاسلام که نامش نیز می تواند گواه آن باشد، بهانه یی بیش نبود: در واقع سود سیاسی ترکان را می جست. چنان که خواهیم دید، ناسیونالیسم ترک وحتا پان تورکیسم در نوشتارهایش موج می زد. در این رهگذر، از مقام خلیفگی سلطان برکنار شده ی عثمانی حمایت می کرد (۹) و دوستدار انور پاشا از چهره های برجسته ی پان تورکیسم بود که در این هنگام میان ازبکان آسیای میانه به سر می برد و فرماندهی «باسمه چیان» (۱۰) را که با بولشویسم می جنگیدند برعهده داشت. حکومت مستعجل ترکستان را همو آفرید تا پندارهای پان تورکیستی اش را صورت عمل بخشد.

از سوی دیگر، لواء الاسلام با اشاره و تلویح، بویه ی نوزایی امپراتوری عثمانی می پرورانید: نخست هوادار ادامه ی حیات آن امپراتوری و سپس ادامه ی خلافت اسلامی در خاندان عثمانی بود، انگلیس را مسئول تیره بختی ترکان می انگاشت، با خاندان هاشمی و یونانیان و ارمنیان سرستیز داشت، هیچگاه از کردان عثمانی نام نبرد و نوشتارهای روزنامه ی فارسی زبان و ایرانخواه آزادی شرق چاپ برلین را برنمی تافت (۱۱). تکه هایی از بخش فارسی لواء الاسلام را نقل می کنم:

مخالفت با پیمان سور (۱۲): عهدنامه «سه ور» که در واقع فرمان قتل ترکیه بود خود بخود و بالفعل پاره گردیده (۱۳). عهدنامه شوم «سه ور»... (۱۴). مجاهده ملی چنان که ذکر شد اولاً برضد یونانی ها بود. ولی عهدنامه «سه ور» که به منزله فرمان قتل ملت [؟] عثمانی بود، بالطبع این مجاهده را برضد نویسندگان آن نیز متوجه ساخت (۱۵).

برناتفن حق غیر ترکان آناتولی: اصلاً آناتولی یک قطعه ایست که خاکش با خون و گوشت ترک سرشته [...] آیا می خواهند هریک نفر یونانی رتبه امارت و هر ارمنی را رتبه وزارت بدهند؟ [...] اگر مقصود وجود یک ارمنستانی است، آن هم که موجود است و حتی نماینده آنها «بگزادیان» در جزو نمایندگان روسیه به جنوه [= ژنو] رفت... (۱۶).

هواداری از انور پاشا: از جمله اغراض تازه [...] یکی هم سلسله اکاذیب و اراجیفی است که در حق انور پاشا در روزنامه های استانبول [...] انتشار می یابد (۱۷). انور پاشا که در این عصر بیستم یکی از نوابغ عالم اسلام بشمار است، برای قدرت فوق العاده خود در تشکیلات و ابراز عزم خستگی ناپذیر خود در توحید قوای مختلف، یک زمینه خوبی بدست آورده و ما از این رو خیلی خوشحالیم (۱۸).

مخالفت با مهاجرت یهودیان به فلسطین و حامیان اروپایی آن: ای ارض مقدس، ای خاک پاک، این کعبه ادیان ثلاثه [...] بواسطه وعده «بلفور» (۱۹) و خدعه انگلیسی که همه با کلمات پرآب و تاب صلح و سلم دروغی در پرده است، فتنه و شورش همه جای تو را گرفته [است]. [خدای را، یکی زبان بگشا و بگو آیا مظلوم ترکان - که بعضی ها مدعی آن می باشند یا عدالت انگلیسیان که کوران حکایت می کنند- [کدام] بهتر! [...] پس منتظر باش، در آتی قریب خواهی دید که فلسطین وطن یهود و توهم عبد و عبید این مردم سفله هستی (۲۰).

*	فارسی - No. 1-2 - Persisch	*
*	لواء الاسلام	*
*	مقالات عام المنفعة عالم اسلامي قبول و درج ميشود	*
*	محل اداره: Berlin-Nikolaassee, Normannenstraße 6.	*
*	Teleph.: Wannsee 132	*
*	شماره ۲۱	*
*	روزنامه ايست سياسي که ماهي دو مرتبه چاپ ميشود	*
*	سال دوم	*

ردار اجيف - ايضاح حقيقت

دشمنان ما برای اینکه در ترکیه نفاق و شفاق حاصل کرده و بدو واسطه ترکهارا در انظار ضعیف بجلوه دهند از هیچگونه اعمال دیسه فروگذار نمیکنند و خصوصاً در این موقع باریک که قوای مادی و معنوی مملکت بایست بکلی متحد گردند آنها یعنی دشمنان ما کرما کرما مشغول افساد و فتنه هستند و بدینواسطه هم قوه معنوی ملت را کسر نموده و هم در انظار خارجی موقع حکومت را منزول میدارند.

مؤثرترین آلتی که آنها استعمال میکنند همانا افساد و تزویر و اشاعه اخبار مجعوله و اراجیف است که متأسفانه مطبوعات خود ما نیز بواسطه ندانستن یا اهمال تکلیف خودشان کمک زیاد بحصول مقاصد دشمن مینماید مثلاً: امروز که با دولت فرانسه عقد صلح شده و عهدنامه «سور» که در واقع فرمان قتل ترکیه بود خود بخود وبالعمل یاره گریه و وضعیت نظامی و سیاسی ما نسبت بسابق امید بخش بوده، یونانستان که واسطه اجرای مقاصد دشمنان ما بود داخل و خارجاً در حال بحران،

و خود دشمنان ما قسماً مایلند که حقوق ما را تصدیق نمایند البته این اوضاع برای ترکیه نفعی است بزرگ و برای خلاص و نجات آن مایه امیدواری و شگنی نیست که دوباره برهم زدن و آشفته نمودن این وضع برای دشمنان ما از ام مقاصد است و در ضمن وصول بقصد در یکی از روزنامههای طرف بیک اوغل که اغلب بزبان یونانی انتشار یافته و آلت دست دشمن میباشد یک خبر بی اصل و اساسی نشر میکنند و همین خبر را قسمی از روزنامههای ترکی استانبول با سرلوحه های بخط درشت اقتباس و نقل مینمایند و گاهی هم چندین روز با کمال گرمی در آن مخصوص بحث و رد بعمل میآید اینوقت همان روزنامههای طرف مقابل همان خبری را که خود جعل نموده و بزبان مطبوعات انداخته اند در مراکز اروپا اشاعه نموده و روزنامههای ترکی را مأخذ نشان میدهند و بدینواسطه در افکار عمومی دنیا ترکیه را در مرج و مرج و مشغول جنگ خانگی جلوه میدهند و این تشویش اذهان در خارج باعث آن میشود که در داخل مملکت تشویش و اضطرابات امتداد یافته و خون اولاد وطن زیاد ریخته

منع دخول مجموعه لواء الاسلام بفلسطين

حکومت محلی فلسطین بموجب یک متحد المالی که بر روزنامه‌ها (کذا) داده است، دخول مجموعه لواء الاسلام را بفلسطين قدغن نموده پیش هرکس این مجموعه پیدا شود بشش ماه حبس و دویست لیره جریمه نقدی محکوم خواهد شد (۲۱).

رعایت مصطفی کمال (آاتورک بعدی): حمیت و کفایت مصطفی کمال پاشا و رفقای لشکری و کشوری او و شجاعت و فداکاری بهادران آناتولی... (۲۲).

نماینده ی سردار سپه در آنکارا: آقای صادق خان سالار نظام که بجهت تبلیغ تیریکات دولت ایران بمناسبت فتح اخیر به آنقره اعزام شده اند، بیک نفر از نویسندگان روزنامه «حاکمیت ملیه» این طور فرموده اند: فتح اخیر آناتولی در واقع دل‌های مجروح را مرحم گذاشته و ما را یک زندگانی چاودانی بخشید. بدین مناسبت ایران جشنها و شامانی‌ها کرده و برای تبلیغ احساسات دوستانه خود، دولت ایران مرا مأمور و به آناتولی اعزام داشت... برای دیگر بعد از این نمی خواهیم که کلمه ترک و ایرانی را بر زبان بیاوریم. خصوصاً خود آقای رضا خان سردار سپه و وزیر جنگ که محبت مخصوصی بترکها دارد، راهی را که دولت ایران باید پیش بگیرد بخوبی نشان می دهد. آقای سردار سپه شخصاً چندان علاقه با ترکها دارند که اوضاع هر روزه ترکیا را در صورت او می شود خواند و از بشاشت سیمای او میشود بیک فتح و کامیابی ترکها پی برد. تا ورود حضرت مصطفی کمال پاشای غازی در آنقره توقف خواهیم کرد و بعد از آن که احساسات و تیریکات قلبی ایرانیان را با هدایای دوستانه که عبارت از یک قرآن شریف و دو قالی بزرگ است و همچنین مکتوب آقای سردار سپه را تقدیم کردم، اجازه مرخصی خواسته به ایران خواهیم برگشت (۲۳).

۵۲۶

حمایت از مقام خلافت و مخالفت با خاندان هاشمی (شریف مکه): ... در دعای خطبه [که در ابلاغیه رسمی حکومت حجاز آمده است] نه اسمی از خلیفه و نه ذکری از خلافت هست [...] خطبه ناقص و این نقصان باعث عدم صحت نماز جمعه است (۲۴). تاریخ و خصوصاً انقلاب اخیر هندوستان نشان می دهد که در میان منسویین ادیان مختلفه دنیا امت اسلام بیش از همه با یک رابطه صمیمی مربوط به دین خود و مقام خلافت می باشند [...] اهالی فلسطین که رابطه صمیمی با مقام خلافت داشته و همیشه انتظار کامیابی های او را دارند (۲۵). [همچنین: فتوای فارسی سه عالم سنی در مورد خلافت و ضد شریف مکه که سرسپرده ی بریتانیا بود] (۲۶).

مخالفت با کمونیسم: میان آنهایی که بیشتر از همه مبتلای آفت بولشویکی هستند، بی شبهه مسلمانان روسیه می باشند (۲۷).

ستیز قلمی با روزنامه ی آزادی شرق: باید گفت که رفیق ما «آزادی شرق» معنی «آزادی» را جور دیگر فهمیده و از خداوند به تضرع بخواهیم که تمام ممالک اسلام را از این گونه آزادی محافظت فرماید [...] اظهار خصومت بملت ترک در واقع حکم خصومت

قسمت فارسی

بیاننامه مقام خلافت کبری

بستناری اراده جلیله سبحانی و عنایت قدسیه ربانی و روحانیت منبجله نبوی و باسناد انتخاب و مظاهرت مجلس ملی تورکیا که از سه سال و نیم باینطرف با مقررات صائبه موافق معاملات ناس و احتیاج زمان رشد و کیاست خود را و اثبات و برقرار داشته است با تعظیم تمام مقام خلافت اسلامی را بعهده میگیرم.

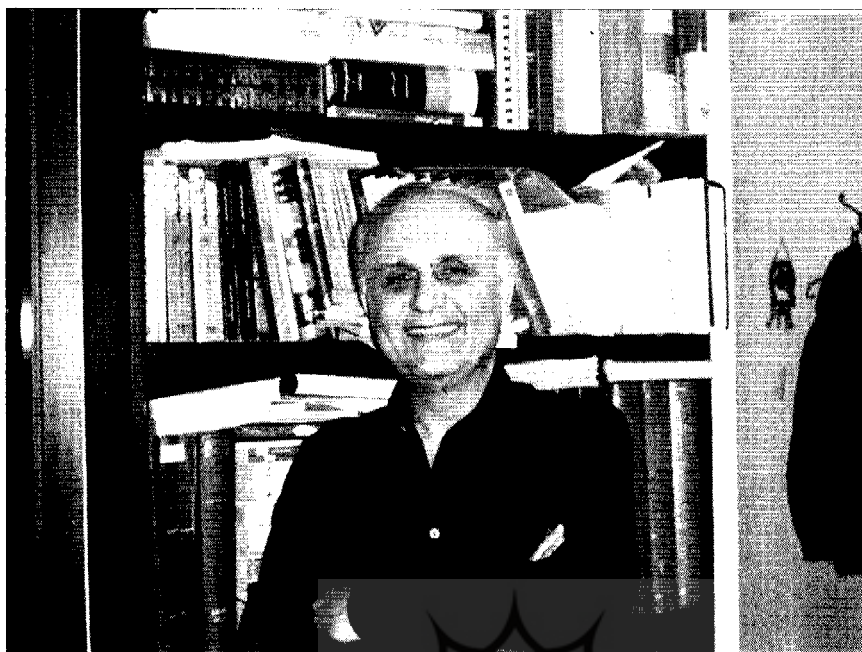
بمناسبت نعمت فتح و ظفر که اخیراً بپون خداوندی و امداد روحانی بیغمبری باشجاعت و یافشاری بهادران و مجاهدین دین نصیب امت مبشره محمدی گردید بسجده شکر افتاده و در مقام تبجیل همت مردانه و خدعات جانسپارانه ملت نجیبه ترک و خاندان عثمانی که از چندین عصر باینطرف بسمت خدمتگذاری و دفاع از خلافت معالی اسلام مقنن و مهابی میباشند و خصوصاً مظاهرت برادرانه عالم اسلام را که در این دوره معنیبت و امتحان نسبت بمجاهدین عثمانی بهیچوجه فروگذار نکردند با یک حس عمیق افتخار یاد و تذکار نموده از دیاد قدرت و شوکت این ملت نجیب را با نسبت بلندی قدر و رفعت جایگاه او از درگاه خداوندی نیاز و مسئلت مینامم .

امت معظمه اسلام را غایت آمال همان تکملات دینوی و فیوضات معنوی است که کلام قدسیت اتسام الهی و شریعت غزای احمدی برای نوع بشر وعد و تبشیر نموده است و من نیز برای نیل بدین مقصد علوی و برای اینکه وظیفه مقدسه امامت و دلالت مقام خلافت و تکلیف خدمتگذاری خودم را علی قدر الاستطاعه نسبت بعالم اسلام که محصول تمام عمر خویش و نتیجه کلیه استحضارات و مساعی خود را بدان وقف نمودام بخوبی از عهده برآیم بارشاد و مشورت علمای جلیل الثان دین مبین و معاوت جمهور مسلمین عرض احتیاج و مراجعت کرده و خیل امیدوار میباشم . جناب قادر مطلق همه مسلمین را مظهر توقیفات صدقانی خود کرده بادرآک صلح و مسالمت دنیا و رفاه و سعادت عموم نوع بشر موفق و کامیاب فرماید .

دارالخلافه العلیه ۴ ربیع الآخر ۱۳۴۱

خلیفه مسلمین ، خادم الحرمین الشریفین

عبدالمجید بن عبدالعزیز خان



• دکتر ناصرالدین پروین

به تمام عالم اسلام دارد[...]. اعلیحضرت امیر افغانستان (۲۸) و نماینده های او در خارجه و تمام ملت افغان دوست ملت ترک هستند و همین برای ملت ترک موفقیت بزرگی است. از این رو، بفضولها و عداوت نویسنده مقاله در آزادی شرق وقعی نمی گذارند(۲۹). خیلی متأسفیم از این که اسم مأمور یک دولتی مثل افغانستان را[...]. با اسم این روزنامه از روی ناچاری در یک جا عنوان مقاله باید قرار بدهیم[...]. هدف حمله روزنامه آزادی شرق واقع شدیم و در این باب آنچه روزنامه نوشت و تعرضهای ناروا که بدین وسیله نسبت به ترکها کرد، از قرار معلوم اثریدی در خوانندگان لواء اسلام حاصل کرده است(۳۰).

پان تورکیسم: انورپاشا [....] بمقصود و امل خود رسید و امروز انقلاب و تشکیلات جدید بخارا و خیوه که از مراکز زندگی عالم اسلام بشمارند، امریست واقع، چنان که در اوایل هفته گذشته ترکستان بشکل یک حکومت مشروطی استقلال تام خود را اعلان کرد[...]. ولی حکومت ترکستان به این حدود سیاسی متقاعد نمی تواند شد و این ترتیبات هنوز قدمه اول نقشه متحد ساختن ترکهای آسیای مرکزی را تشکیل می دهد[...]. بخوبی واضح است که ترکستان چینی که دارای یک اداره خصوصی است، به مثابه بازوی چپ پیکر ترکی است که از اول منبع رودخانه (یانگ-تی - گیانگ) شروع کرده تا سواحل بحر خزر امتداد می کند. این است که هر یک نقشه و هر کدام پروگرام(اتحاد توران) که متحد ساختن اعضای از هم دور افتاده خانواده اسلام آسیای مرکزی را غایت مقصود خود قرار ندهد، ناقص است و قابل اجرا نمی توان گفت[...]. تشکیل دولت ترکستان برای آنان که اتحاد توران را در خیال خود

می‌پزند، یک ساحت وسیع امیدواری حاضر کرده [...] به برادران ایرانی و هندی و عرب و تمام مسلمانان اخطار می‌کنیم که این عنصر تازه استقلال یافته اسلام را از صمیم قلب سلام کرده و روابط اخوت و مودت را با آنها از سر نو تقویه نمایند (۳۱).

ویژگی‌ها

نشانی لواء الاسلام دوبار تغییر یافت؛ اما تولید کننده‌اش همواره چاپخانه کاویانی بود که به یک ایرانی تعلق داشت (۳۲) روزنامه، در این چاپخانه با دو ستون به اندازه ی ۲۶×۳۶ به چاپ می‌رسید. بیشتر شماره‌ها توأمان و با ۸ تا ۱۰ صفحه بودند. برخی از شماره‌ها دارای عکس‌اند. بهای روزنامه اعلام نشده و آگهی نیز ندارد (۳۳).

گفتنی است که سه سال پس از خاموشی لواء اسلام، مولوی محمد برکت الله از مسلمانان استعمار ستیز هند روزنامه ی پنج زبانه یی را به نام الاصلاح در برلین منتشر ساخته است و از قضا، فتوای مشترکی از او و دو عالم سنی دیگر در لواء الاسلام دیده می‌شود. با وجود توجه الاصلاح به زبان فحیم فارسی، منابع ما در باره ی آن نیز خاموش‌اند. در فرصتی دیگر، این روزنامه را هم معرفی خواهیم کرد.

پانویس‌ها

- ۱- به عنوان جانشین روزنامه ی کاشف اسرار، روزنامه یی به همین نام به سال ۱۲۹۶ در اصفهان به چاپ رسیده است.
- ۲- فلیپ، دی طرازی، تاریخ الصحافه العربیه، دار صادر، بیروت ۱۹۲۹، ج ۲، ص ۳۶۸.
- ۳- امیرشکیب از خاندان ارسلان و این خاندان از سرکردگان درویشان لبنان بود (۲۵ دسامبر ۱۸۶۹-۹ دسامبر ۱۹۴۶). وی از آیین پدری دست کشید و به تسنن گرایید. ابتدا تا دیری اندیشه ی تجدید خلافت عثمانی را در کنار عربیت در سر می‌پروراند و کم کم ارزش بیشتری به دومی داد. وی که نسب خود را به نعمان بن منذر از شاهان حیره می‌رسانید، از پدران معنوی نهضت‌های برتری خواه عرب (- همچون حزب نژادپرست بعث) شد. ارسلان، تاریخ دانی توانا و شاعری چیره دست بود و همعصران تازی اش او را امیر البیان نام نهادند. در ۱۹۲۴م او هم به برلین رفت و در آن جا گروهی به نام هیئة الشعائر الاسلامیه به راه انداخت که دست‌آورد مثبتی در پی نداشت.
- ۴- طلعت پاشا مردی زشتکار و بد سرانجام بود. هموست که در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ دستور داد سران ارمنی اسلامبول را نابود سازند و سپستر، در نسل براندازی ارمنیان بینوای آناتولی نقش اول را ایفا کرد.
- ۵- «بهاء الدین شاکر و جمال عزمی بک»، لواء الاسلام، ش ۹-۱۰ سال دوم، ۵ شوال ۱۳۴۰
- ۶- روانشاد محمد علی جمال‌زاده به من گفته است که دربرلین محمود غنی زاده مصحح

چاپخانه ی کاویانی بود و هنگام انتشار کاوه، نظارت فنی کاوه در چاپخانه ی را همو انجام می داد. غنی زاده در خرداد ۱۳۰۴ به وطن بازگشت، در تبریز ماند و بار دیگر به روزنامه نگاری پرداخت.

۷- ما نمی دانیم سید حسن شمس ناشر روزنامه های شمس و خاور چاپ اسلامبول که تابعیت عثمانی داشت در آن سالهای پس از جنگ چه می کرده است؟ دور نمی دانیم که وی در برلین به سر می برده و فارسی های لواء الاسلام از اوست.

۸- «قسمت فارسی. مراسم رکز بیدق دولت افغانستان در برلین»، لواء اسلام، ش ۱۳-۱۴، ۹ محرم ۱۳۴۱

۹- مجلس کبیر ملی که در آنکارا تشکیل یافته بود، در اول نوامبر ۱۹۲۲ با هدایت مصطفی کمال پاشا (آتاتورک بعدی)، سلطنت را برچید و با هدف ادامه ی نفوذ ترکیه در کشورهای مسلمان، مقام روحانی خلافت را برای خانواده ی عثمانی برجا گذاشت که آن هم دو سال بعد از آنان باز ستانده شد و عثمان زادگان به تبعید رفتند.

۱۰- باسمه چیان اکثر از ازیکان بودند و شماری تاجیک نیز به انگیزه ی اسلامخواهی به آنان پیوستند. این جنگجویان، سالها با کمونیسم صادراتی به مستعمره های پیشین روسیه ی تزاری در آسیای میانه و تحت الحمایه اش امارت بخارا، جنگیدند و سرانجام از سوی ارتش سرخ بیرحمانه سرکوب شدند.

۱۱- آزادی شرق با وقفه های طولانی از ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۰ تا دست کم خرداد ۱۳۰۴ (۱۰ مه ۱۹۲۱ - ژوئن ۱۹۲۵) در برلین به چاپ رسیده است. ناشرش، شیخ عبدالرحمان سیف آزاد (سبزوار یا شاهرود ۱۲۶۱خ- تهران ۲۲ شهریور ۱۳۵۰)، سبستر عنوانهای متعددی در برلین و تهران منتشر ساخت. همواره با انگلیسیان مبارزه کرد و آنان نیز او را آرام نگذاردند. مجله ی ایران باستان آیینه ی باورهای نژادپرستانه و آلمان دوستی اش بود. با همه ی اینها، در حرفه ی روزنامه نگاری زمان خود نظیر نداشت و دلپذیرترین و زیبا ترین نشریه های پیش از اشغال ایران را او منتشر ساخته است.

۱۲- این معاهده در سور (نزدیک پاریس Sèvres) میان پیروزمندان جنگ جهانی اول بسته شد (۱۰ اوت ۱۹۲۰) و برابر آن قرار بود امپراتوری عثمانی به ملیتهاش تقسیم شود. پیدا شدن نفت در سامانهای کرد نشین عراق کنونی و سیاستهای فرانسه در شامات و برخی سودخواهی های دیگر، موجب شد که جهانخواران در کنفرانس دیگری (لوزان، ۲۴ ژوئیه ی ۱۹۲۳) پشت پا به پاره یی از تعهدهای خود بزنند. ارمنیان و کردان عثمانی سابق، خواستهای کنونی خود را هنوز بر پایه ی معاهده ی سور استوار می دارند.

۱۳- «رد اراجیف- ایضاح حقیقت»، لواء الاسلام، ش ۱-۲، سال ۲، ۱۶ جمادی الاول ۱۳۴۰

۱۴- «کنفرانس شرق در پاریس»، لواء الاسلام، ش ۷-۸، سال دوم، ۱۷ شعبان ۱۳۴۰

۱۵- «استیلای قفقازیه و ترکستان از طرف بولشویکها و انور پاشا»، لواء الاسلام، ش ۱۱-۱۲

سال ۲، ۱۰ ذیحجه ی ۱۳۴۰

۱۶- «کنفرانس شرق در پاریس»، لواء الاسلام، ش ۷-۸ سال دوم، ۱۷ شعبان ۱۳۴۰
۱۷- «رد اراجیف- ایضاح حقیقت»، یاد شده و مشابهش: «استیلای قفقازیه و ترکستان از طرف بولشویکها و انور پاشا»، یاد شده.

۱۸- «احمد انور پاشا»، لواء الاسلام، ش ۱۷-۱۸، ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

۱۹- منظور اعلامیه بلفور است که در آن آرتور جیمز بلفور وزیر امور خارجه ی بریتانیا از سوی کشور خود، خلق کشوری یهودی نشین در فلسطین را تضمین کرد (۱۹۱۷).

۲۰- «ارض مقدس و یوم میلاد»، لواء الاسلام، ش ۱-۲ سال ۲، ۱۶ جمادی الاول ۱۳۴۰

۲۱- لواء الاسلام، ش ۱۷-۱۸، ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

۲۲- «رد اراجیف- ایضاح حقیقت»، یاد شده

۲۳- «بیانات آقای سالار نظام»، لواء الاسلام، ش ۱۷-۱۸، ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

۲۴- «دعای خطبه در حجاز»، لواء الاسلام، ش ۱-۲ سال ۲، ۱۶ جمادی الاول ۱۳۴۰

۲۵- «مکتوبهای فلسطین»، لواء اسلام، ش ۳-۶ سال ۲، ۱۶ رجب ۱۳۴۰

۲۶- «استفتاء»، لواء الاسلام، ش ۷-۸ سال دوم، ۱۷ شعبان ۱۳۴۰ و «پروتست جدید کمیته

خلافت در هند»، لواء الاسلام، ش ۹-۱۰ سال دوم، ۵ شوال ۱۳۴۰ و «راجع به فتوی- جواب

بمقاله رد»، لواء الاسلام، ش ۱۱-۱۲ سال دوم، ۱۰ ذیحجه ی ۱۳۴۰

۲۷- «گرسنگان شبه جزیره قریم»، لواء الاسلام، ش ۱۱-۱۲ سال دوم، ۱۰ ذیحجه ی ۱۳۴۰

۲۸- سیف آزاد و نشریه اش در پی اتحاد ایران و افغانستان بودند و این، نویسنده ی ترک را خوش نیامده است. سیف آزاد به امیر امان الله خان نزدیک شد و شماره ی ویژه یی به سفر اروپایی او اختصاص داد. سپستر خود نیز به کابل رفت و در همین مسیر و مبارزه با استعمار انگلیس گام زد.

۲۹- «یاد آوری دوستانه بنگارنده روزنامه آزادی شرق»، لواء الاسلام، ش ۹-۱۰ سال دوم،

۵ شوال ۱۳۴۰

۳۰- «ادیب خان مستشار افغانستان در برلین و روزنامه آزادی شرق»، لواء اسلام، ش ۱۳-

۱۴ سال ۲، ۹ محرم ۱۳۴۱

۳۱- «احمد انور پاشا»، لواء الاسلام، ش ۱۷-۱۸، ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

۳۲- این چاپخانه در اصل برای چاپ فارسی به دست عبدالشکور بنیاد یافت. در آن، متنهای قدیم و جدید فارسی و روزنامه های کاوه به اضافه ی کتابهای آن و همچنین سال اول مجله ی ایرانشهر به چاپ رسیده است.

۳۳- درباره ی لواء الاسلام، همچنین بنگرید به:

Hopp, Gerhard. Arabische und islamische Periodika in Berlin und Brandenburg 1915, bis 1945. Berlin, 1994, pp. 80-83.